

افکار و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در شعر پروین اعتصامی

مژگان زارع کهن

کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

پروین شاعر امروز است و شعر او در قالب سنتی و با برخی باورهای سنتی سروده شده است. شعر پروین در اوضاع اجتماعی آن روزگار که سال‌های ناامیدی سیاسی روشنفکران ایرانی و شرایط بد اقتصادی پس از اشغال ایران توسط متفقین و همچنین اوضاع پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سروده شده است. در چنین احوالی شعر که تا آن روزگار در مسیر وقایع روز و حوادث سیاسی حرکت می‌کرد، به جانب چشم‌اندازهای تازه خم شد. شعرهای بیانیه‌ای، سفارشی و دستوری، تعطیل گردید و به جای آن شاعران به درون خود خم شدند. چیزی که تا پیش از آن زمان برایشان ممنوع بود. اگر شاید آن سال‌های ناامیدی سیاسی نبود، این غلیان ناگهان بوجود نمی‌آمد. اما شاعران هنرمند و شیرین سخن این دوره که بار آزادی و هویت ایرانی و انسانی خود را بردوش می‌کشیدند، همت کردند و شعر را که می‌رفت تا در مرداب ابتدال قلم‌فرسایی قلم به مزدان نشست کند، برقلل هنوز نه چندان مرتفع افتخار نشاند. پروین از جمله شاعران این دوره است که در این تحقیق سعی بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهیم که افکار و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شعر پروین اعتصامی کدامند و چه نقشی این افکار بر شعر او داشته است.

واژگان کلیدی: شعر پروین، افکار و اندیشه، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

مقدمه

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

پوشیده نیست که پهنه شعر فارسی، به ویژه شعر معاصر که از پربارترین دوره‌های آن به شمار می‌رود دریای گسترده‌یی است که غوطه‌وری در آن جگر شیر می‌خواهد و مثال خطر کرده در آن، کسی را ماند که با کشتی شکسته به دریا نشست و امید بر ساحل مراد بسته، ولی نباید مصداق و مضمون شعرفوق را از یاد برد و من بر کران بیکران این پهن دریا ایستاده و به اندازه توان کوشیده‌ام در این مقاله ابتدا به دوران زندگی پروین و تحولات زمانه‌ی وی که تأثیر بسیار بر ویژگی شعر او داشته پرداخته و سپس به افکار و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شعر پروین که موضوع اصل این مقاله است پرداخته شده است. این افکار و اندیشه‌ها از برخورداری بیشتر جامعه‌ی آگاه، در شعر معاصر و صاحب سبک بوده و شعرا و نمونه‌ی جامع و کامل شیوه‌های موجود در شعر معاصر می‌تواند باشد. مضامین شعر پروین، نو و همراه با هدف دلسوزی و مهربانی به حال بینوایان است. او از حقوق رنجدیدگان، کشاورزان و زحمتکشان سخت دفاع می‌کند تا جایی که می‌توان او را سخنگوی همیشه استوار محرومان دانست. بخش مهمی از شعر پروین در قالب قصه و مناظره سروده شده است. در این مناظرات که همواره با هدف‌های متعالی اخلاقی و اجتماعی بیان شده، قطره و شبنم، سوزن و نخ، سگ و گربه، تابه و دیگ، نخود و لوبیا، و امثال آنها، جان می‌گیرند و حکیمانه سخن می‌گویند، سخن از حقایقی که کمتر به آنها پرداخته، یا هرگز به آنها نیندیشیده‌ایم. قطعات پروین مانند، لطف حق، کعبه، دل، گوهراشک، روح آزاد، دیده و دل، نغمه‌ی صبح، سفراشک، و بسیاری دیگر که به تنهایی کافی است تا نام او را ماندگار کند، نمودار چیرگی و ذوق سخن آفرین او براندیشه و دقایق سخن است. او شاعری اخلاقی است که برای جامعه‌ی ما تحت عنوان ترقی (خود باختگی) پیش آمده بود خاموش نمی‌ماند و با نقل "گذشته‌ی زن در ایران" و نقد وضع امروزی به احیاء و معرفی ارزش‌های پاک انسانی و اسطوره‌های اخلاقی می‌پردازد.

زندگی پروین اعتصامی

پروین اعتصامی که نام اصلی او "رخشنده" است در بیست و پنجم اسفند ماه ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز متولد شد، در کودکی با خانواده‌اش به تهران آمد. پدرش اعتصامی معروف به اعتصام‌الملک از نویسندگان و دانشمندان بنام ایران بود. وی اولین "چاپخانه" را در تبریز بنا کرد، مدتی هم نماینده‌ی مجلس بود. مادرش اختراعصامی نام داشت. او بانویی مدبر، صبور، خانه‌دار و عفیف بود، وی در پرورش احساسات لطیف و شاعرانه دخترش نقش

مهمی داشت و به دیوان اشعار او علاقه فراوانی نشان می‌داد. پدرش که مردی بزرگ بود در زندگی او نقش مهمی داشت، و هنگامیکه متوجه استعداد دخترش شد، به پروین در زمینه سرایش شعر کمک کرد. اعتصام الملک مدیر مجله بنام "بهار" بود که اولین اشعار پروین در همین مجله منتشر شد، ثمره ازدواج اعتصام الملک، چهار پسر و یک دختر است. خانوادۀ او و اهل مطالعه بود و وی مطالب علمی و فرهنگی به ویژه ادبی را از لابه‌لای گفت و گوهای آنان در می‌یافت در یازده سالگی به دیوان اشعار فردوسی، نظامی، مولوی، ناصر خسرو، منوچهری، انوری، فرخی که همه از شاعران بزرگ و نام‌آور زبان فارسی به‌شمار می‌آیند، آشنا بود و از همان کودکی پدرش در زمینه وزن و شیوه‌های یادگیری آن با او تمرین می‌کرد. گاهی شعری از شاعران قدیم به او می‌داد تا بر اساس آن، شعر دیگری بسراید یا وزن آن را تغییر دهد، و یا قافیه‌های نو برایش پیدا کند، همین تمرین‌ها و تلاش‌ها زمینه‌ای شد که با ترتیب قرارگیری کلمات و استفاده از آنها آشنا شود و در سرودن شعر تجربه بیاندوزد. شاعران و دانشمندانی مانند استاد علی اکبر دهخدا، ملک الشعرای بهار، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی و نصرالله تقوی از دوستان پدر پروین بودند، و بعضی از آنها در یکی از روزهای هفته در خانه او جمع می‌شدند، و در زمینه‌های مختلف ادبی بحث و گفتگو می‌کردند. هر بار که پروین شعری می‌خواند، آنها با علاقه به آن گوش می‌دادند و او را تشویق می‌کردند. پروین، در ۱۸ سالگی، فارغ‌التحصیل شد، او در تمام دوران تحصیلی، یکی از شاگردان ممتاز مدرسه بود. البته پیش از ورود به مدرسه، معلومات زیادی داشت، او به دانستن همه مسائل علاقه و سعی می‌کرد، در حد توان خود از همه چیز آگاهی پیدا کند. مطالعات او در این زبان به حدی رسید که ۲ سال در مدرسه قبلی خودش ادبیات فارسی و انگلیسی تدریس کرد. مراقبت‌های پدر از ذوق سرشار و اندیشه‌ی تابناک پروین از سویی، و بالید او در فضایی که بیشتر جایگاه اهل ادب و سخن بود، از دیگر سو، در پرورش نبوغ زودرس شعری وی آن چنان مؤثر افتاد که در نه سالگی به سرودن شعر پرداخت. پروین انسانی دیگر، بانویی دیگر، شاعری دیگر با دیدگاهی دیگر، شیوه‌ی دیگر و جایی دیگر، که "خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود"^۱ پروین، زنی که او را "بدیع‌ترین و والاترین شکوفه‌های ادب فارسی، و از منادیان محبت و مردمی و تقوی در عصر حاضر" (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹: ۱۰) خوانده‌اند.

پروین روحی بزرگ، همتی بلند و تحملی بسیار داشت، آرام و گوشه‌گیر، پرمهر و باتقوی، اندیشگر و نکته‌یاب و خاموش بود، به این ترتیب شگفت نیست اگر زندگی سی و پنج ساله‌ی او را خالی از نشیب و فرازهای چشم‌گیر بیابیم، اما به قول خودش:

گرچه جز تلخی از ایام ندید هرچه خواهی سخنش شیرین است

۱- شعرا حافظ و کامل آن چنین است: "راستی خاتم فیروزه بواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود"

شروع زندگی مشترک پروین

پروین در ۱۹ تیرماه ۱۳۱۳ با پسر عموی پدر خود که رئیس شهرداری کرمانشاه بود، زندگی مشترک خود را آغاز و چهار ماه پس از ازدواج به کرمانشاه محل خدمت همسر رفت و زندگی مشترک خود را آغاز نمود. اما از آنجا که شوهر وی با عوالم ذوقی و اندیشگی پروین سخت بیگانه بود، این ازدواج دیری نپایید و به جدایی انجامید. پروین پس از دو ماه و نیم اقامت در خانه شوی، از کرمانشاه به تهران به منزل پدر بازگشت و در ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ با گذشتن از کابین برای همیشه از شوی جدا شد. این پیشامد را با خونسردی و متانتی شگفتی آور تاب آورد و تا پایان عمر از آن ماجرا سخنی بر زبان نیاورد و شکایتی نکرد. درباره‌ی دوره زناشویی خود فقط سه بیت ذیل را سروده است. (درودیان، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۳)

ای گل، تو ز جمعیت گلزار، چه دیدی
جز سرزنش و بدسری خار، چه دیدی
ای لعل دل افروز تو با این همه پرتو
جز مشتری سفله، به بازارچه دیدی
رفتی به چمن، لیک قفس گشت نصیبت
غیر از قفس، ای مرغ گرفتار، چه دیدی
(مقطعات، ۳۹۸، ۳۹۹)

برادر پروین، ابوالفتح این تضاد روحی را چنین بیان می‌کند: "و علت اختلاف پروین و همسرش، مغایرت در اخلاق و روحیه‌ی لطیف پروین و اخلاق خشک و روحیه‌ی نطا می همسرش بود." (ابوالفتح اعتصامی، ۱۳۲۳: ۷) خانم "سرور مهکامه محمص" که به گفته‌ی ابوالفتح برادر پروین، از دوستان نزدیک شاعر بود و بیش از دوازده سال با هم مراوده و مکاتبه داشتند، درباره‌ی جدایی پروین، از زبان او می‌نویسد: [کسی که از ادبیات بویی نبرده باشد، به نظر من بی‌سواد است و بی‌سواد قدرتمند قلدر، هم چون اربابش نه تنها چشم دیدن شعرا و ادبا را ندارد که "دشمن مغزها" است و من با چنین آدمیزادی چگونه می‌توانم زندگی کنم؟ خانم محمص پس ادامه می‌دهد که پروین اظهار داشت: "در همان سال‌ها، تردید را در مورد ازدواج با آقای همایون فال در مثنوی "عهد خونین" منعکس کردم." (حائری، ۱۳۷۵: ۲۳) مخصوصاً در بیت:

بگفتا مغز را مگذار در پوست
نشد دشمن بدین افسانه‌ها دوست

جدائی پروین

پروین در مرداد ۱۳۱۴ از همسر خود طلاق گرفت. برادر پروین طلاق پروین را چنین روایت می‌کند: "پروین در ۱۹ تیرماه ۱۳۱۳ با پسرعموی پدر خود ازدواج و چهار ماه پس از عقد مزاجت به کرمانشاه به خانه‌ی شوی رفت. این ازدواج متناسب نبود، لذا بعد از دو ماه و نیم اقامت در خانه‌ی شوی به منزل پدر برگشت و در ۱۱ مرداد ماه ۱۳۱۴ با گذشتن از کابین، تفریق نمود. این پیشامد را با متانت و خونسردی شگفت‌آوری تحمل کرد و تا پایان عمر از آن ماجرا سخنی بر زبان نیاورد و شکایتی نمود." (ابوالفتح اعتصامی، ۱۳۲۳: ۹) ظاهراً پروین در نامه‌ی

تیرماه ۱۳۱۴ خود نخواست است، یا به اصطلاح رویش نشده است به مهکامه بنویسد که در آستانه‌ی طلاق گرفتن است و پدر و مادرش مشغول چانه‌زدن برای انجام این کار و سرانجام پروین، عملاً با گفتن "مهرم حلال، جانم آزاد" و شاید با پرداخت مبلغی اضافی به شوهر، خود را خلاص کرده است. زیرا در آن سالها طلاق گرفتن دختران برای خانواده‌های محترم و آبرومند، مایه‌ی سرشکستگی بود. هم برای دختر و هم برای پدر و مادر. آن هم دختری که در سن ۲۸ یا ۲۹ سالگی به خانه‌ی شوهر رفته بوده است. در آن سالها دختران عموماً در سنین کمتر از ۲۰ سالگی شوهر می‌کردند و عرف، زمان ازدواج دختران را در سن بیش از بیست سال نمی‌پسندیدند. پروین سرانجام در نامه‌ی ۳۱ (۲۳ مرداد ۱۳۱۴)، از گرفتاری غیرمترقبه‌ی پس از ازدواج خود یاد کرده و به مهکامه نوشته است شوهرش افیونی (تریاک) بوده است: «... باری عزیزم، یک ماه پس از عزیمت بنده به کرمانشاه معلوم شد که شخصی که با او می‌بایست تمام عمر زندگی کنم مبتلا به افیون بوده است و چون ازط فولیت در اطراف بوده، هیچیک از افراد خانواده‌ی ما از ابتلای او به تریاک اطلاعی نداشته ... و چون می‌دانم که گرفتار به این بدبختی را دیگر راه نجاتی نیست، پس از این پیش‌آمد دل‌تنگ و منفجر شدم و مصمم شدم که خود را به هر زحمت و قیمتی که باشد از این دام بلا مستخلص گردانم.» حقیقت آن است که «پروین آرام و ساکت وقتی با چنان شوهری روبه‌رو می‌شود، به صورت محترمانه‌ای از خانه‌ی وی می‌گریزد.

دوران بیماری و مرگ پروین

پروین اعتصامی، پس از کسب افتخارات فراوان و درست در زمانی که برادرش - ابوالفتح اعتصامی دیوانش را برای چاپ دوم آن حاضر می‌کرد، ناگهان در روز سوم فروردین ۱۳۲۰ بستری شد پزشک معالج او، بیماری‌اش را حصبه تشخیص داده بود، اما در مداوای او کوتاهی کرد و متأسفانه زمان درمان او گذشت و شبی حال او بسیار بد شد و در بستر مرگ افتاد. نیمه شب شانزدهم فروردین ۱۳۲۰ پزشک خانوادگی‌اش را چندین بار به بالین او خواندند و حتی کالسه‌ای آماده به درخانه‌اش فرستادند، ولی او نیامد و... پروین درآغوش مادرش چشم از جهان فروبست. پیکر پاک او را درآرامگاه خانوادگی‌اش در شهر قم و کنار مزار پدرش در جوار خانم حضرت معصومه (س) به خاک سپردند. پس از مرگش قطعه شعری از او یافتند که معلوم نیست در چه زمانی برای سنگ مزار خود سروده بود. این قطعه را برسنگ مزارش نقش کردند، گزیده‌ای از این شعر در ذیل آمده است:

این خاک سیهش بالین است
 اختر چرخ ادب پروین است
 گرچه جز تلخی ا یام ندید
 هر چه خواهی سخنش شیرین است

صاحب آن همه گفتار امروز
 آدمی هرچه توانگر با شد

سائل فاتحه و یاسین است
 چون بدین نقطه رسد مسکین است

اوضاع و احوال دوران پروین

پروین در یکی از لحظه‌های بحرانی تاریخ ایران (۱۲۸۵) در خانواده‌ایی با فرهنگ و پای‌بند سنت‌های دیرین، تولد و پرورش یافت. انقلاب مشروطه که جامعه‌ی ایران را از توده‌های مردمی به جنب و جوش ستم‌پذیر، به ملتی پویا و بیدار و طلب‌گر مبدل ساخت. در عین حال نهضتی بود که در ادبیات، مانند هر حوزه‌ی نفوذ دیگر، سنت‌های کهنه را غربال کرد. بعضی را بی‌ارزش نمود و بعضی دیگر را پایدار یا دست کم هماهنگ با معیارهای جدید آزادی و حرمت انسانی و شرافت فرهنگی تشخیص داد. با وجود چنین سابقه‌ای در جو سیاسی ایران، سرنوشت پروین تنفس در فضای آزاد نبود که به او مجال اظهار نظر صریح و بی‌پرده اندیشه‌هایش را بدهد.

بیست سال دوران خلاقیت و شاعرانه او دقیقاً همان بیست سال فرمانروایی رضا شاه بود که در طی آن حق آزادی سخن پایمال گشت. در این دوره سردمداران انقلاب مشروطیت یا با مقتضای واقعیت سیاسی جدید هم‌رنگ شدند و با دولت جدید همکاری کردند، یا اگر به اصول دیرین خویش پای‌بند و وفادار ماندند، جبراً از صحنه‌ی سیاست و اجتماع کشور برکنار گشته گروهی خانه‌نشین شدند و گروهی کمتر یا به زندان رفتند یا مانند عشقی و فرخی یزدی به قتل رسیدند. پروین که دختر جوانی گمنام و به ظاهر بی‌اهمیت بود، برای بیان مخالفت و اعتراض خود شیوه‌ی خاصی را ابداع کرد. (دهباشی، ۱۳۷۰: ۳۷۴) او در شعر خویش جهانی افسانه‌ای آفرید که در آن عناصر ستیزنده با یکدیگر رمز عوامل متنازع اخلاقی و اجتماعی و سیاسی کشور و زبان حال طبقات مظلوم و درمانده بود. استفاده از سبک تمثیل، خواه طبعاً با خصال درون‌گرایی و کناره‌جویی پروین مناسبت داشت، و خواه آن را از روی ناچاری چون حيله‌ای برای گریز از پنجه ستمگر قهار اختیار نمود. صرف نظر از خفقان حاکم بر جو سیاسی کشور، محیط اجتماعی ایران نیز در آن روزگار برای شکوفایی استعداد زنی جوان مانند پروین که با تربیتی سنتی بزرگ شده بود، چندان سازگاری نداشت. دکتر مؤید در این زمینه می‌نویسد: «پروین را نباید ملامت کرد که چرا میل خاطری به جریان‌های تاریخی زمان خود نداشته و به ندرت اشارتی صریح به تحولات و حوادث مهم کشور در اشعار خود آورده است. سنجش پروین با شاعران و نویسندگان «متعهد» دوره سیاسی بعد که در شرایط مطلقاً متفاوتی می‌زیستند نا بجاست.» (دهباشی، ۱۳۷۰: ۳۷۵)

الف) اوضاع فرهنگی و ادبی

بدون تردید این دوره از آغاز تا به امروز یکی از غنی‌ترین دوره‌های ادبی کشور به حساب می‌آید که یا ادیبان و صاحب ذوقانی از این دوره برخاسته‌اند یا محیط را فراهم کرده‌اند تا چند سال بعد شاهد شاعران و نویسندگان معروفی باشیم، آغازگر این راه در شعر و شاعری نیماست، نیما ۹ ساله بود که پروین بدنی آمد و پروین در واقع دوران اوج شعر نیما را ندید (نیما از سال ۱۳۰۱ اولین تجربه‌های شعر خود را به منصفی ظهور نشانده، اما این اشعار تا حدودی سنتی و نیمه سنتی بودند) زیرا نیما حول و حوش سال ۱۳۲۰ به طور رسمی اشعار سنت شکن خود را عرضه کرد که این سال دقیقاً مصادف می‌شود با مرگ پروین، چند سالی بیشتر از دوره زندگی نیما نیز شاعران مشروطه انقلابی، سیاست مدار، سنت‌گرا، و گاهی سنت شکن دیده می‌شود که از مهم‌ترین آنها که هم عرصه پروین نیز هستند، دهخدا، بهار، عشقی، عارف قزوینی و فرخی یزدی را می‌توان نام برد که پروین با دهخدا و بهار از نزدیک آشنا بوده و آنها با پدر پروین مراوده و معاشرت داشته‌اند، و مقدمه‌ی بهار بر دیوان پروین و تعریف و تمجیدهای دهخدا از پروین، در این بحبوحه تاریک و خفقان‌زا، کورسویی از نور را در دل پروین می‌تاباند و بر او تأثیر مستقیم می‌گذارد. از این رو به قول دهباشی می‌توان گفت: "زندگی کوتاه پروین هیجان و طوفانی است که از عوامل موجود عصرش ساخته شده است. زمان پروین زمان دلهره و بهت است. عصری است که خودکامگی، دروغزنی، هوچیگری، جهل جای همه چیز را در ایران گرفته است، پروین نگران مردمی هیچ ندان و بدون پشتیبان است..." (دهباشی، ۱۳۷۰: ۱۰۳)

ب) پروین و پیشنهاد دربار

در شرح‌های مختلفی که بر احوال پروین نوشته‌اند بخشی از آن این است که به او پیشنهاد می‌شود به دربار برود و معلم خصوصی و ندیمه‌ی ملکه باشد، یا اینکه رضاخان ابراز تمایل می‌کند او را به دختری خود بپذیرد. "رضا شاه خواست که او را ندیمه‌ی ملکه کند، ولی پروین از پذیرفتن این مقام سر باز زد..." (آژند، ۱۳۷۳: ۱۷۷) و "... سخنان پروین به دربار رضا شاه راه یافت و ابراز تمایل شده بود که او را به دختری خود بپذیرد، ولی، پروین از قبول این پیشنهاد امتناع نمود و زندگی انفرادی را ترجیح داد..." (میخالویچ: ۵۰) و از قولی معتبرتر آمده است: ".... پس از اتمام دوره‌ی مدرسه آمریکایی‌ها، چندی در همانجا تدریس می‌نمود، هم در آن اوان، پیشنهاد ورود به دربار به او شد و نپذیرفت..." (ابوالفتح اعتصامی، ۱۳۲۳: ۶) پروین شاعری بیدار و هشیار بوده که باچشمان باز می‌نگریسته و با شهامت و جرأتی کم نظیر از هم‌رنگ شدن با جماعت تن زده، و سرتسلیم در برابر فشار سیاسی فرود نیآورده و فریفته‌ی رنگ و بوی و نقش و نگار ظاهری نشده است. چنانکه می‌دانیم دربار را برای معلمی ملکه نپذیرفت و این صداقت

کمیاب اخلاقی را داشت که هرگز فریفته جاذبهٔ مقام‌های پرسود و مجلی را که به آسانی بدان دسترسی داشت نگشت. (دهباشی، ۱۳۷۳: ۳۷۶)

افکار و اندیشه‌های سیاسی در شعر پروین

در اشعار پروین توجه خاصی به مسائل سیاسی جامعه شده است. با این که اشعار او تاریخ مصرف ندارد، اما از آن جا که بر هر نظام خودکامه‌ای ارکان و شرایط تقریباً یکسانی حکمفرماست، شعر او نیز با اشارات صریح و غیرصریحی دوره‌ی ستمشاهی را در بر می‌گیرد. در بخشهایی از شعر پروین به سلطه یافتن بیگانگان بر ایران، استبداد داخلی و بی‌بند و باری فساد حاکم بر طبقه‌ی حاکمه اشاره شده است، و پروین بطور مبسوطی به این ابعاد پرداخته است. در بخشهای دیگری به عکس‌العمل مثبت و منفی توده‌ی مردم که عده‌ای با ظلم‌پذیری و صلح‌جویی خود به زورمندان اجازه‌ی جولان می‌دهند و برخی با مقاومت و افشاگری و اعتراض، راه پیش روی را برستم آنان می‌بندند، می‌توان پی برد.

همچنین پروین به جنگ و خون‌ریزی به رهایی و آزادی در مقابل اسارت و بردگی مردم و نمایش جو اختناق‌آمیز و تهدیدانگیز جامعه می‌پردازد. در شعر پروین ظلم، بی‌عدالتی اجتماعی و سیاسی و ناامنی که برانسان‌ها تحمیل شده است، نمود فراوانی دارد که مسبب آن گاهی سرنوشت است و گاهی قدرتمندان بی‌وجدان ستمکار. پروین اعتصامی علل تباهی چنین جامعه‌ای که همانا جهل و نادانی، غفلت، بی‌خبری و سرمستی است که موجب تن دردادن به آسیب‌های اجتماعی و سرفرود آوردن بر دسیسه‌های سیاسی دولت نابکار است را بخوبی در شعر تبیین می‌نماید. پروین با هشدار و هشیار باش، خلق را به هشیاری و اتحاد و همبستگی دعوت می‌کند. گرچه اعتقادات تقدیری پروین از بیش‌تر شعرهایش به چشم می‌خورد اما او هرگز منکر تلاش نیست و کسانی را که مسئولیت بدبختی‌های خویش را بردوش اهرمن و قضا و قدر می‌افکنند و خود را خلع سلاح قلمداد می‌کنند، می‌نکوهد. چرا که قدرت‌های استعماری با پر رنگ جلوه دادن تفکرات جبری انسان‌های دین‌ورز از برخی عقاید نادرست آنان برای رسیدن به آمال و آرزوهای نامشروع خویش، سوء استفاده می‌کنند.

الف) استعمار

زندگی پروین در زمانی است که استعمار سایه شوم خود را بر روح ملت ایران انداخته بود. ایران در دوران پروین به صورت کشوری مستعمره درآمد بود و این موضوع را کاملاً در شعر او می‌توان یافت.

اهرمن را به هوس دست مبوس کاندرا اندیشه‌ی تیغ آختن است
«ط، نیکی دل، ۱۹۴»

خدمتگزاری و دست بوسی انگلیس و آمریکا (یا نظام شاهنشاهی) پاداشی بهتر از مرگ برایت نخواهد داشت. تو برای رسیدن به آرزوهایت به بندگی تن میدهی، اما اجنبی تو را فدای آمال خود خواهد کرد. چطور می‌شود در یک شعر به فاصله‌ی چند بیت از سازش کاری، به مبارزه و تسلیم نشدن رسید؟

«ای که چرخ همی بازی نرد بردن این جا همه را باختن است»

پس بیش‌تر احتمال می‌رود این بیت نیز به استناد ابیات دیگر، عرفانی باشد و اهرمن، شیطان ایران زمین که همواره درصدد فریب دادن انسان است و سرسپردگی به او در حکم زیان و نابودی است.

عجب از گمشدگان نیست عجیب دیو را دیدن و نشناختن است

«ط، نیکی دل، ۱۹۴»

دیو همان اهرمن است و گمشدگان، دست بوسان هوس بازند. احتمالات بیت قبل درباره‌ی این بیت نیز صادق است.

ب (خودکامگی

استبداد و خودکامگی یکی دیگر از مسائل و موضوعات سیاسی دوران پروین است که وی این بعد را بخوبی در شعر خود تبیین نموده، بعنوان مثال او درخصوص خود کامگی و دیکتاتوری رژیم حاکم چنین می‌گوید:

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته ست این گرگ سال‌هاست که با گله آشنا ست

«ط، اشک یتیم، ۱۸۰»

چمن چگونه رهد ز آفت دی و بهمن صباچه چاره کند باد مهرگانی را

«ط، بهای جوانی»

سرمیفر از نزد شیر و دهر که بسی قامت از جفاش دوتاست

«ط، کمان قضا، ۱۸۹»

شب شد و مرد رفوگر ناله کرد کای خوش آن چشمی که گرم خفتن است

«ط، نغمه‌ی رفوگر، ۱۹۵»

تیرگی و ظلم و استبداد بالاگرفته و طبقه‌ی زحمتکش جامعه می‌نالند و برحال کسانی که مرفه‌اند و در آسایش زندگی می‌کنند، غبطه می‌خورند.

ج (فساد زمامداران

فساد زمامداران، دیگر موضوع زمانه پروین است که او را سخت آزرده خاطر نمود و در اشعار خود این موضوع را چنین بیان می‌کند.

صد جور دیدم از سگ و دربان به درگهت
جزسقله و بخیل در این بارگاه نیست
« ط، شکایت پیرزن، ۲۱۸ »
اگر که بد منشی را کشند بر سردار
به جای او ننشیند به زور از او بتری
« ط، مناظره، ۲۷۹ »
دزد اگر شب گرم یغما کردن است
دزدی حکام روز روشن است
« ث، دزد وقاضی، ۳۳۱ »
گفت: باید حد زند هشیار مردم مست را
گفت: نزد یک است والی را سرای آن جا شویم
گفت: والی از کجا درخانه‌ی خمار نیست
« ط، مست وهشیار، ۲۰۹ »
فساد جامعه آن قدر بالا گرفته که دامن همه‌ی کارگران آن (از قاضی خفته گرفته تا والی
مست و محتسب رشوه‌خوار) را فراگرفته است. قاضی و والی و داروغه و محتسب کارگزاران بلند
پایه تا دون پایه‌ی دولت هستند که فساد عمومی دامن‌گیرشان شده.

د (عوامفریبی

در حکومت‌های خودکامه عوامفریبی بعنوان یکی از شاخصه‌های اصلی این حکومتها و
تباه‌کننده این نوع حکومتها از این ابزار در استمرار حکومت خود استفاده می‌کردند. در دوران
پروین عوامفریبی بعنوان یکی از مهمترین موضوعات حکومت بوده که پروین به خوبی فروش
بر می‌کشد:

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته‌ست
این گرگ سالهاست که با گله آشناست
« ط، اشک یتیم، ۱۸۰ »
ای بسا رهنما که راهزن است
ای بسا رنگ خوش که جان فرساست
« ط، کمان قضا، ۱۸۹ »
راسـتی آموز، بسی جو فروش
هست در این کوی، که گند م نماست
آن که سحر حامی شرع است و دین
اشـک یتیم نش که شب غذاست
آن که به چشم من و تو پارساست
« ط، صاعقه ی ما ستم اغنیاست، ۱۸۳ »
گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم
گفت: والی از کجا در خانه‌ی خمار نیست
« ط، مست وهشیار، ۲۰۹ »
آن پارسا که ده خرد و ملک رهزن است
آن پادشا که مال رعیت خورد گداست
« ط، اشک یتیم، ۱۸۰ »

دیگرای گندم‌نمای جـــــ و فروش با ردای عجب عیب خود مـــــپوش
 دردل ما حرص، آرایش فـــــزود نیت پاکـــــان چرا آلوده بود؟
 «ت، دزد وقاضی، ۳۳۰»
 آن که خود را پاک می‌داند زهرآلودگی می‌کند مردارخواری چون غراب ای رنجبر!
 «غ، ای رنجبر، ۱۶۲»

افکار و اندیشه‌های اجتماعی در شعر پروین الف) ظلم و ستم

اجتماعی که انسان در آن زندگی می‌کند تأثیری مستقیم بر افکار، اندیشه و رفتار او خواهد داشت و هنرمند با چشمانی بازتر از دیگر افراد عادی، به مسائل حول و حوش خود دقت کرده، ارتباطی تنگاتنگ با یک یک آن مسائل برقرار می‌کند؛ شاعران نیز از این تأثیر برکنار نمانده، با طبعی لطیف، روحی حساس و بصیرتی مشرف برمسائل جامعه، مشکلات آن را در لفافه طنز و انتقاد و در قالب انواع شعر به تصویر می‌کشند و از بی‌عدالتی، فقر، اختلاف طبقاتی، دزدی، رشوه‌خواری و... سخن می‌گویند. پروین در بیان این مسائل، سهم عمده‌ای برعهده گرفته و با اشارات و تلمیحات در قالب مناظره‌های زیبا، نکات مهمی را به شعر درآورده است. مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی در دیوان او «فقر» و اختلاف طبقاتی جامعه است در مناظره میان دو قطره خون نهایت اختلاف و فاصله‌ی طبقات اجتماعی را نشان می‌دهد. علت سرخی خون فرمانروای تاجور و خارکن را چنین بیان کرده است:

تو از فروغ می‌تاب سرخ رنگ شدی

من از نکوهش خاری و سوزش جگری (۱۳/۲۶۲)

در قطعه‌ی «بی پدر» فقر اجتماعی و بی‌داری و نبودن طبیب را چنین سروده است:

بر سر خاک پدر دختر کـــــی صورت و سینه به ناخن می‌خست
 که نه پیوند و نه مادر دارم کاش روحم به پدر می‌پیوست
 گریه‌ام بهر پدر نیست که او مرد و از رنج تهیدستی رست
 زان کنم گریه که اندریم بخت دام بر هر طرف انداخت گسست
 شصت سال آفت این دریا دید هیچ ماهیش نیفتاد به شست
 پدرم مرد ز بی‌داری کـــــی و ندرین کـــــوی سه داروگر هست
 دل مسکینم ازین غم بگـــــداخت که طبیبش به بالین نشست

سوی همـــــسایه پی نان رفتم تا مراد یـــــد در خـــــانه بیست (۸- ۱/۱۲۹)
 و مثال‌های دیگر در این مورد اشعاری است به نام‌های «شکایت پیرزن»، «اندوه فقـــــر» و «تهیدست»، «طفل یتیم»، «خاطر خشنود»، «قلب مجروح» و «نغمه‌ی خوشه چین» که شاعر این اشعار را در قالب حکایتهای غمگین در بیان واقعیات و تجربیات قابل

لمس هر انسانی و دلسوز درآورده است. در شعرهای پروین تقریباً همه جا زور و اجحاف و ستمگری، از سوی هرکس باشد، کوبیده می‌شود، خواه این کس سلطان باشد، خواه اغنیا، خواه قاضی ...، خواه روحانی این مهاجمه با ستم از خصلت اجتماعی ... او مایه می‌گیرد. (بابایی، ۱۳۶۸: ۴۷)

شکستم و نشد آگاه باغبان قضا نخوانده بود مگر درس باغبانی را
«ط، بهای جوانی، ۱۷۵»

گفت چنین کای پدر نیــک رای صاعقه‌ی ما ستم اغنیاست
«ط، صاعقه‌ی ماستم اغنیاست، ۱۸۳»

مد لونگ از این سخنان نظرگاه اجتماعی پروین را استنباط می‌کند که بین طبقه‌ی بهره‌جوی و کامیاب با طبقه‌ی محروم هماهنگی وهم گامی صورت پذیر نیست. (جلالی پندری، ۱۳۷۰: ۸۲) شاید اگر پروین، همچون فرخی یزدی ویا میرزاده‌ی عشقی، بی‌پرده و با دادن آدرس‌های مشخص، به دستگاه فاسد حکومت رضا شاهی حمله می‌کرد، به همان سرنوشتی گرفتار می‌آمد که آنها آمدند، لیکن پروین چنین نکرد. شعر او می‌تواند به گونه‌های مختلف، تعبیر یا دریافت شود. اما باید گفت که این گونه‌های مختلف آن چنان باز نیست که بتواند قاطعانه، حکومتیان را متقاعد کند که شعر مورد اشاره، علیه آنان گفته شده است. (وزیری نسب، ۱۳۷۴: ۲۲)

لاشه خوران‌اند و به آلودگی پنجه‌ی آلوده‌ی ایشان گواست
خون بسی پیر زنان خورده است آن که به چشم من و تو پارساست
«ط، صاعقه‌ی ما ستم اغنیا ست، ۱۸۵»

از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی

چند می‌ترسی زهرخان و جناب ای رنجبر!...

هرچه بنویسند حکام اندرین محضر رواست

کس نخواهد خواستن ز ایشان حساب ای رنجبر!....

«غ، ای رنجبر، ۱۶۳»

گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
«ط، مست وهوشیار، ۲۰۹»

ناهموار بودن راه شاید کنایه از ظلم و بیداد باشد. ثروتمندان و زورمندان اجتماع تأکید دارند که مردم را در جهل و بی‌خبری نگه دارند تا به اهداف سیاسی و اقتصادی خود نائل شوند، چون اگر مردم بدانند حقشان پایمال می‌شود برای ستاندن آن قیام خواهند کرد. پس از دیرباز خرافه‌پرستی را ترویج دادند و به این عقیده که هرکس سرنوشت محتومی دارد که خدا برایش رقم زده دامن زدند تا کسی خیال سرپیچی از دستورات خدا و به تبع او، خودشان را به ذهن خود راه ندهد.

هرگز ایمن مشو که حمله‌ی چرخ گر زامروز بگذرد فرداست
 «ط، کمان قضا، ۱۸۹»
 هرچه من گردن نهادم، چرخ زد خون من ایام را برگردن است
 «ط، نغمه‌ی رفوگر، ۱۹۵»
 من به صد خونابه یک نان یافتم نان نخوردن بهتر از خون خوردن است...
 بر ستمکاران ستم کم‌تر کند این سزای برد باری کردن است
 «ط، نغمه‌ی رفوگر، ۱۹۵»
 دور جهان خونی خون خوارهاست محکمه‌ی نیک و بد کارهاست
 «مقطعات، ۳۹۷»

ب) بی‌عدالتی اجتماعی

عدالت همواره از آرزوهای پروین بوده و بی‌عدالتی که شاخصه حکومت‌های دیکتاتوری است او را سخت آزرده و در این خصوص چنین می‌گوید:

کارگر هر که هست محترم است هرکسی درد یارخویش کسی ست...
 هر پری را هوای پروازی ست گر پر باز و گر پر مگسی ست
 «ط، با زی زندگی، ۱۹۹»
 به لشکرخرد و رأی و عدل و علم گرای سپاه اهرمن اندیشه زین سپاه کنند
 «ط، نامه به نوشیروان، ۲۳۷»
 در تو تنها عشق و مهرما دری ست شیوه‌ی ما عدل و بنده پروری ست
 «ط، لطف حق، ۳۳۸»
 ما بکنندیم از خیانت کار، پوست خواه دشمن بود خائن، خواه دوست
 «ث، کله بی جا، ۳۶۱»
 مرا در بارگاه عدل خوان‌هاست به هر خوان سعادت میهمان‌هاست
 «ث، سعی و عمل، ۳۷۰»
 پروین معتقد به سکوت و بی‌اعتراضی در برابر این بی‌عدالتی تقدیر است. آیا برای ساختن آینده و سرنوشتی بهتر نباید تلاش کرد؟ آیا به صرف زورمند بودن، هر فرماندهی حکم صادر کرد (درست یا خطا) باید سر تسلیم در مقابلش فرود آورد؟

بهل صباغ گیتی را که در یک خم زند آخر سپید و زرد و مشکین و کبود و ارغوانی را
 «ط، گلی درباغ جان، ۱۷۷»
 به خلق داد سرافرازی و مرا خواری که درخور تو ازین به که می‌ستانی نیست
 «ط، روح آزرده، ۲۲۱»
 صاعقه‌ی ما ستم اغنیاست تو صیف‌گر همه نابرابری‌های اجتماعی است. درست است که پروین در اشعارش، از حوادث مشخص و مرجع دار اسم نمی‌برد و در این افشاگری، به دلیل اختناق بسیارخشن حاکم، جانب احتیاط را رعایت می‌کند؛ اما با این وجود، در همان بی‌مرجعی،

پرده از چهره ناشایستگان زمان بر می کشد. شعر مورد نظر، نفرت او را نسبت به زورمداران و محبت و عشق او را نسبت به مردم شریف و زحمتکش، نشان می دهد. (وزیری نسب، ۱۳۷۴: ۱۶)

دولت و آسایش و اقبال و جاه	گر حق آنهاست حق ما کجاست
زین همه گنج و زر و ملک جهان	آنچه که ما راست، همین بوریاست
از چه شهان ملکستانی کنند	از چه به یک کلبه تو را اکتفاست
عدل، چه افتاد که منسوخ شد	رحمت و انصاف چرا کیمیاست

« ط، صاعقه ی ما ستم اغنیا ست، ۱۸۳ »

افکار و اندیشه‌های اقتصادی در شعر پروین

فقر یکی از عوامل عمده عقب ماندگی و مانع پیشرفت ملت هاست که حاصل جهل، کم فرهنگی و بی سوادی اجتماع است. زورمداران همواره کوشیده اند که توده مردم را در نارسایی مادی قرار دهند تا فکر تهیه نان شب و وسایل اولیه زندگی، آنان را از اندیشیدن درباره سرنوشت شان و راه های بهبود آینده باز دارد. پروین همچون "ویکتور هوگو" در "بینوایان" ثابت می کند که انسان گرسنه و محروم از حداقل شرایط زیستی، نه تنها ایمن ندارد، بلکه از عهده هیچ کار مفیدی در جامعه بر نمی آید. (یاحقی، ۱۳۷۷: ۲۵-۲۴)

بحث وابستگی اقتصادی کشور به دیگر ممالک و علل آن که مصرف گرایی و تجملات و ظاهر آرایایی است اشاره شده و برای کسب استقلال، ساده زیستی را می توان در شعر پروین یافت. همچنین پروین به بیان راه های ارتزاق از راه حلال پرداخته و همچنین روش های حرام مال اندوزی که متأسفانه در جامعه اش وجود دارد را بخوبی می توان یافت.

در این بعد به لحاظ و عوامل ناتوان شدن فرودستان، و فساد اداری و مالی، و دیگر روش های ثروت اندوزی که نتیجه باور قانع بودن فرودستان و سوء استفاده فرادستان است پرداخته و درباره آن چه نظام اقتصادی اجتماع را فاسد، متشنج، بی ثبات و در نهایت متلاشی می سازد بحث نموده است.

به من جوانی خود رابه سیم وزر بفروش	که زرّ وسیم، کلید است کامرانی را.....
تو زرّ وسیم نگه دار، کاندترین بازار	به سیم زرّ نخریده ست کس جوانی را

« ط، بهای جوانی، ۱۷۵ »

الف) فقر و تنگدستی

یکی دیگر از دغدغه های پروین فقر و تنگدستی است که این تأثیر بسزائی در افکار و اندیشه های شعرا داشته است و تأثیر مسائل اقتصادی بر شعر او بخوبی نمایان است. بعنوان مثال:

من به هر جا یی که مسکن می کنم با من آن جا بخت بدهم مسکن است

چه شب و روزی مرا؟ چون روز و شب
 نه دم و دودی نه سود و مایه‌ای
 دل ز خون یا قوت احمر ساخته‌ست
 جا مه‌ها کردم رفو اما به تن
 آنچه روزی در تنم دل داشت نام
 هرچه امشب دوختم بشکافتم

صحبت من با نخ و با سوزن است
 خانه د رویش از دزد ایمن است
 من نمی‌دانستم این‌جا معدن است
 جامه‌ای دارم که چون پرویزن^۱ است
 بس که سختی دید امروز آهن است
 این نخستین مبحث نادیدن است

«ط، نغمه رفوگر، ۱۹۵»

رفوگر پس از سال‌ها، امشب درد دل می‌کند «هرچه امشب دوختم بشکافتم / این نخستین مبحث نادیدن است» که خبر از ناتوانی و پیری‌اش می‌دهد و حالا که با کدّ یمین و عرق جبین نمی‌تواند امرار معاش کند، از فقر و ترس از آینده شکایت می‌نماید.

ارزش من پاره دوزی بود و بس
 این همه جان‌کندن و سوزن زدن
 دشمنان را دوست‌تر دارم زدوست
 سرهزاران درد سر دارد سراسر است
 سوزنش صد نیش زد، این خیرگی
 شب شد و مرد رفوگر ناله کرد
 من به صد خونا به یک نان یافتم
 نیست جز موی سپیدم حاصلی

این چنین ارزش به هیچ ارزیابی است
 گور خود با نوک سوزن‌کندن است
 دوست وقت تنگ‌دستی دشمن است
 تن دو صد توش و نوا خواهد تن است
 دستمزد دست لرزان من است
 کای خوش آن چشمی که گرم خفتن است
 نان نخوردن بهتر از خون^۲ خوردن است
 کیشتم ادبار است و فقرم خرمن است

«ط، صاعقه ما ستم اغنیا ست، ۱۸۳»

ب) وابستگی اقتصادی و استقلال مادی

موضوعات اقتصادی دوران پروین، که وابستگی کشور به نفت و خارج می‌باشد را می‌توان در شعر او یافت.

زنجبر بودن ولی در کشتزار خویشتن
 روز را با کشت و زرع و شخم آوردن به شب
 وقت حاصل خرمن خود را به دامن داشتن
 شامگاهان در تنور خویشتن نان داشتن

«غ، باغ آرزوها، ۱۶۶ و ۱۶۸»

چو بگرویم به کرباس خود چه غم داریم
 از آن حریر که بیگانه بود نساجش
 که حله حلب ارزان شده‌ست یا که گران....
 هزار بار برآزنده‌تر بود خلقان

«ط، فرشته انس، ۲۶۷ و ۲۶۸»

یادآور "جنس ضعیف" اورینا فالچی درباره جنبش زنان ایران در دوره پروین هم زمان با

تمهیدات ایندرا گاندی در هند است. پروین به تبلیغ صنایع داخلی و جایگزینی آنها با محصولات خارجی در جهت استقلال مادی و ملی می‌پردازد.

ج) جامعه مصرف‌گرا

در جوامع دیکتاتوری و استبدادی تولید معنا ندارد و دولت بعنوان یک دولت رانتیر یعنی فروش نفت و تأمین مایحتاج اکتفا می‌نماید، که پروین به خوبی به این موضوع آگاه است و در فرشته انس به این موضوع چنین می‌پردازد.

به بانو است که خود را بزرگ می‌شمرد
به گوشواره و طوق و به یاره^۱ مرجان
چه بگرویم به کرباس خود چه غم داریم
که حله حلب ارزان شدست یا که گران
همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی
که نرخ جامه بهمان چه بود و کفش فلان
از آن حریر که بیگانه بود نساجش
هزار بار برانزده‌تر بود خُلُقان
«ط، فرشته انس، ۲۶۶»

د) تجمل‌پرستی

تجمل‌پرستی هم از شاخص‌های دولتهای خودکامه است. ابن‌خلدون در مقدمه کتاب خود در بحث مربوط به ظهور و سقوط دولتها تجمل‌پرستی را عامل سقوط دولت می‌داند که پروین هم بخوبی به این موضوع آگاه است و در اشعار خود درباره این موضوع چنین می‌گوید:

نقش بام و درم زسیم و زر است
پرده‌ام از حریر گلنار است
قفل سیمم به نزد سیمگر است
پرده اطلسم به بازار است

«ط، پایه و دیوار، ۱۸۱»

به جای پرده تقوی که عیب جان بپوشاند
ز جسم آویختم این پرده‌های پرنیانی را
«ط، گلی درباغ جان، ۱۷۸»

این خط و خال را نتوان گفت دلکش است
این ریب و رنگ را نتوان گفت دلرباست
«ط، عیب جو، ۱۹۱»

کسی ست زنده که از فضل جامه‌ای پوشد
همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی
قماش دگه جان را به عجب پوشاندیم
به هر کنار گشودیم بهر تن دگان
نه بانو است که خود را بزرگ می‌شمرد
به گوشواره و طوق و به یاره^۱ مرجان
چو آب و رنگ فضیلت به چهر نیست چه سود
ز زنگ جامه زربفت و زیور رخشان؟
«ط، فرشته انس، ۲۶۶»

پروین با آن که در رفاه مالی زندگی می‌کند، تجملات و زیورآلات زندگی را نشانه بزرگی و فخر فروشی نمی‌داند و تعالی روح انسان را در داشتن سیم و زر و پوشیدن جامه زربفت

و آویختن پرده‌های پرنیانی نمی‌داند. نکته قابل توجه این است که مظاهر ظاهرآرایی در شعر پروین اغلب لباس و پارچه‌های گران‌قیمت و پرده‌های نفیس است. چه همی هیمه برافروزی و نان بندی؟ به تنوری که ندیدست کسی نانش خرنگ تو زبس بارکشیدن مُرد چه بری رنج پی وصله پالانش
«ق، [گنج هستی]، ۱۰۷»

ه (اشتغال‌زائی

حضور بیگانگان و اشغال ایران توسط آنها پیامدهای ناگواری بهمراه داشت از جمله بیکاری که یکی از موضوعات دردآور دوران پروین است، او همواره در اشعار خود این موضوع را به شایستگی تبیین می‌کند. بعنوان مثال:

کشت کن آن جا که نسیم و نمی‌ست خرمی مزرعه ز آب و هواست
«ط، صاعقه ما ستم اغنیاست، ۱۸۳»

پدر، همه رموز کشاورزی را برای پسرش توضیح می‌دهد.

دانه چو طفلی ست در آغوش خاک روز و شب این طفل به نشو و نماست
«ط، صاعقه ما ستم اغنیاست، ۱۸۳»

پدر در این چند بیت اطلاعات مفیدی درباره کشت و زرع به پسرش می‌دهد.

ح (موروثی بودن حرفه

موروثی بودن حرفه در کشورهای جهان سوم و کشور عقب مانده وجود داشته و در ایران هم بواسطه ساختارهای اجتماعی آن زمان موروثی بودن حرفه هم از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بود که پروین به خوبی آن را تشخیص می‌دهد و در اشعار خود به این موضوع می‌پردازد. بعنوان مثال:

برزگری پند به فرزند داد کای پسر این پیشه، پس از من تو راست
«ط، صاعقه ما ستم اغنیاست، ۱۸۳»

علاوه براین که معمولاً پسران، شغل پدران را دنبال می‌کردند، ورود از یک حرفه به حرفه دیگر مخصوصاً از طبقه‌ای دیگر، بعید به نظر می‌رسید.

نتیجه‌گیری

در تاریخ ادب شعر معاصر، پروین در میان زنان سخنور، شاعری یگانه است و پایگاه وی در شعر از بسیاری از مردان والاتر است. حیطة شعر پروین گستره مواجی است که در آن هیچ چیز و هیچ کس بی‌صدا و ایستا نیست و هنر غیرقابل انکار پروین سخن گفتن و تکلم نمودن از زبان

بیش تر عناصر هستی است. هر چه در پیرامون و چشم‌انداز دوست همدار و جهت‌مند به مکالمه مشغول‌اند و تمام این خطاب‌ها در تمامی مناظرات او به گونه‌ای طنز و جدّ به شکل سمبل و صریح پخش و منتشر است و با وجود این نمونه‌هاست که دیوان پروین را می‌توان تشبیه به جنگلی سبز نمود که در چهارسو به مرزهای صدا منتهی می‌شود. پروین هم‌ساز با زمان و سازگار با خصلت‌های ملی و قومی و خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی مردمش شاید تنها شاعری است که شعرش هرگز با مردم قطع رابطه نداشته و با آنها زندگی کرده و به مردم جوهره زندگی را دست مایه داده است و در عین حال که شعرش عامی و فرودست نیست، قشرعوام و مکتب ندیده این سرزمین را نیز صمیمانه با خود هم گام دارد. پروین همچون ویکتور هوگو در بینوایان ثابت می‌کند که انسان گرسنه و محروم از حداقل شرایط زیستی، نه تنها ایمان ندارد، بلکه از عهده هیچ کارمفیدی در جامعه بر نمی‌آید. بحث وابستگی اقتصادی، سیاسی کشور به دیگر ممالک و علل آن که مصرف‌گرایی و تجملات و ظاهرآرایی است اشاره شده و برای کسب استقلال، ساده‌زیستی را می‌توان در شعر او یافت. مهمترین مسئله اجتماعی در دیوان او فقر و اختلاف طبقاتی جامعه است. در شعرهای پروین تقریباً همه جا زور و اجحاف و ستمگری، ازسوی هرکس باشد، کوبیده می‌شود، خواه این کس سلطان باشد، خواه اغنیا، خواه قاضی، خواه روحانی، این مهاجمه با ستم از خصلت اجتماعی او مایه می‌گیرد. از این روست که بی‌عدالتی یکی از شاخصه‌های حکومت‌های دیکتاتوری است سخت او را رنج می‌دهد. پروین در مسائل مربوط به اقتصاد به لحاظ و عوامل ناتوان شدن فرودستان، و فساد اداری و مالی، و دیگر روش‌های ثروت‌اندوزی که نتیجه باور قانع بودن فرودستان و سوء استفاده فرادستان است پرداخته و درباره آن چه نظام اقتصادی اجتماع را فاسد، بی‌ثبات و در نهایت متلاشی می‌سازد بحث نموده است. از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر بسزائی در شعر پروین داشته و او بخوبی به مسائل و موضوعات پیرامون خود آگاه بوده و به همین جهت او را شاعر اجتماعی می‌دانند و به قول ملک‌الشعراى بهار "شعر او شیرین و زبان معاصر است."

منابع:

۱. آزند، یعقوب، ۱۳۶۳، ادبیات نوین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول
۲. اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۴۹، جام جهان بین، تهران
۳. اعتصامی، پروین، ۱۳۷۰، دیوان اشعار، ویرایش و تدوین متن احمد کریمی، انتشارات یادگار
۴. اعتصامی، ابوالفتح، ۱۳۲۳، مجموعه مقالات و قطعات اشعار، به مناسبت اولین سالگرد وفات پروین، تهران، مجلس
۵. بابائی، محمد تقی، ۱۳۶۸، دیوان پروین اعتصامی

۶. بشریه، حسین، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات نی
۷. پندری، یدالله، ۱۳۷۰، در گذشته پروین، تهران، مروارید، ج اول
۸. جلالی، بهروز، ۱۳۷۶، درغروب ابدی، مروارید، چاپ اول
۹. جلالی، بهروز، ۱۳۷۵، جاودانه زیستن، در اوج ماندن، تهران، مروارید
۱۰. حائری، هادی، ۱۳۷۵، حدیث ناگفته (مجموع اشعار، نوشتار، گفتار و کلیات پروین اعتصامی)، جلد اول، نشر حدیث
۱۱. درودیان، ولی‌الله، ۱۳۸۲، دیوان قصاید، مثنویات، تمثیلات و مقطعات براساس طبع هادی ابوالفتح اعتصامی، تهران، نشر نی
۱۲. دهباشی، ع، (گردآورنده)، ۱۳۷۰، یاد نامه پروین، دنیای مادر
۱۳. مجموعه مقالات پروین، گردآوری: دبیرخانه‌ی جایزه ادبی پروین اعتصامی، ۱۳۸۳، مؤسسه فرهنگی و هنری عدن
۱۴. وزیری، فرشته، ۱۳۷۴، تهیه و تدوین دیوان اعتصامی، تهران، پرنگار پارس، چاپ اول
۱۵. یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۷، چون بسوی تشنه (ادبیات معاصر فارسی)، تهران، جامی، چاپ پنجم